آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۴۵۲
یکشنبه
۱۴۰۱•۱۰•۰۴
۰۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴/ ۲۵ دسامبر ۲۰۲۲

نصرا... تاجیک در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

راهی جز برجام وجود ندارد

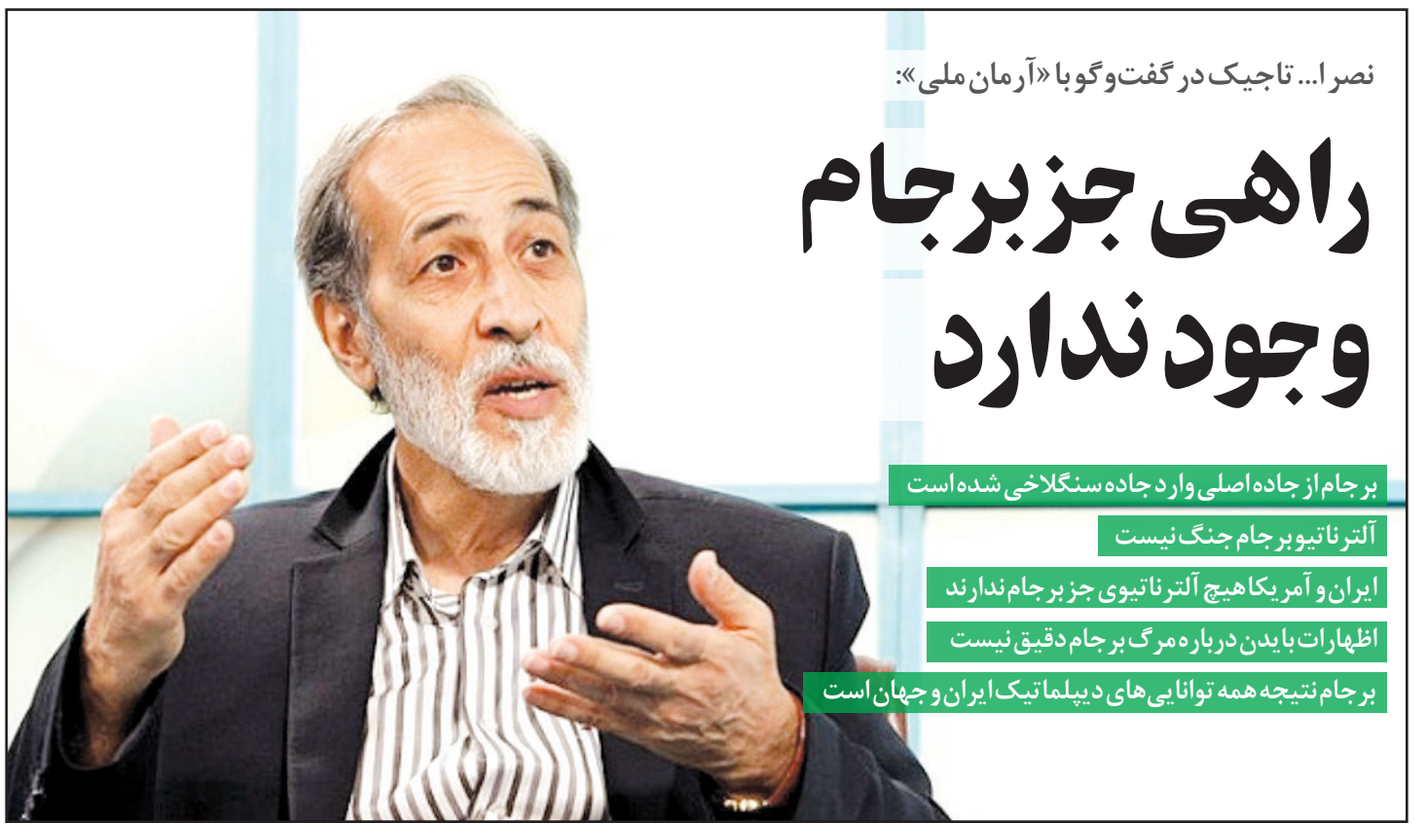

برجام از جاده اصلی وارد جاده سنگلاخی شده است

آلترناتیو برجام جنگ نیست

ایران و آمریکا هیچ آلترناتیوی جز برجام ندارند

اظهارات بایدن درباره مرگ برجام دقیق نیست

برجام نتیجه همه توانایی‌های دیپلماتیک ایران و جهان است

آرمان ملی- احسان انصاری: آیا امیدها برای احیای برجام از بین رفته و ایران و آمریکا در آستانه پایان برجام قرار دارند؟ اگر برجام به هر دلیلی پایان یابد چه آلترناتیوی برای آن وجود دارد؟ اعتراضات داخلی در ایران چه تأثیری بر روند برجام داشته است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر نصرا... تاجیک، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. تاجیک معتقد است: «ایران و آمریکا هیچ آلترناتیوی جز برجام ندارند و هر دو طرف به برجام نیاز دارند. از سوی دیگر هر دوطرف نیز اهرم‌هایی برای تحت فشار قرار دادن طرف مقابل در اختیار دارند. با این وجود برجام چه به عنوان یک سند که امضا شده و چه به عنوان روندی که در عرصه بین‌المللی شکل گرفته نتیجه همه توانایی دیپلماتیک ایران و جهان است. به همین دلیل این واقعیت موجود هیچ جایگزینی ندارد. هیچ کس جز مخالفان داخلی و خارجی برجام اعم از نئومحافظه کاران در آمریکا، لابی صهیونیستی، ائتلاف عبری و عربی و مخالفان داخلی از مرگ برجام سود نمی‌برند. برجام چرتکه داده و ستانده نیست.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

ویدئویی از بایدن منتشر شده که در آن به صورت تلویحی عنوان می‌کند برجام مرده است. این در حالی است که مقامات آمریکا نیز عنوان می‌کنند در شرایط کنونی برجام در اولویت نخست ما نیست. آیا به پایان برجام نزدیک شده‌ایم؟

ویدئویی که از آقای بایدن منتشر شده متعلق به ۵۰ روز قبل است که رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به یکی از معترضان این جمله را عنوان می‌کند. معمولا موارد این چنینی که از سوی بایدن مطرح می‌شود در آینده تعدیل و یا مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه زمان این ویدئو متعلق به ۵۰ روز قبل است این احتمال وجود دارد که تیم سیاست خارجی وی این اظهارات را تعدیل کند و به آن شکل دیپلماتیک بدهد. نکته مهم این است که چرا در شرایط کنونی ویدئویی که متعلق به ۵۰ روز قبل از است در سطح رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده منتشر شده و یکی از خبرگزاری‌های ایران نیز بدون توجه به زمان رخ دادن ویدئو آن را منتشر کرده است. به دلیل اینکه این ویدئو متعلق به گذشته است نباید آن را به تحولات جدید ارتباط بدهیم و باید موضوع را با واقع بینی مورد بررسی قرار بدهیم. درباره اینکه آیا برجام به پایان راه رسیده به تازگی سوالی از رابرت مالی در همین زمینه پرسیده شده که وی در پاسخ عنوان می‌کند من مسئول کفن و دفن برجام نیستم و بلکه مسئول این هستم که منافع کشورم را تأمین کنم. به نظر می‌رسد اظهاراتی که بایدن در این زمینه داشته زیاد دقیق نیست و منافع آمریکا را تأمین نمی‌کند. در چنین فضایی طرفین به دنبال این هستند که از هم امتیاز بگیرند. آمریکا به دنبال این است که از ایران امتیاز بیشتری بگیرد و از سوی دیگر ایران نیز همین رویکرد را دنبال می‌کند. در چنین شرایطی التهابات داخلی و اعتراضاتی که در ایران به وجود آمد باعث شد دولت آمریکا تمرکز خود را روی اعتراضات بگذارد و با تحت فشار قرار دادن ایران به دنبال این باشد که امتیازات بیشتری در مذاکرات از ایران بگیرد.

امیر عبداللهیان پس از دیدار با بورل نسبت به از سرگیری مذاکرات ابراز امیدواری کرده است. این امیدواری با توجه به مواضع اخیر مقامات کشورهای غربی و برجام به چه میزان با واقع بینی همراه است؟

ایران و آمریکا هیچ آلترناتیوی به جز برجام ندارند و هر دو طرف به برجام نیاز دارند. از سوی دیگر هر دوطرف نیز اهرم‌هایی برای تحت فشار قرار دادن طرف مقابل در اختیار دارند. با این وجود برجام چه به عنوان یک سند که امضا شده و چه به عنوان روندی که در عرصه بین‌المللی شکل گرفته نتیجه همه توانایی دیپلماتیک ایران و جهان است. به همین دلیل این واقعیت موجود هیچ جایگزینی ندارد. هیچ کس جز مخالفان داخلی و خارجی برجام اعم از نئومحافظه کاران در آمریکا، لابی صهیونیستی، ائتلاف عبری و عربی و مخالفان داخلی از مرگ برجام سود نمی‌برند. برجام چرتکه داده و ستانده نیست. برجام رویکرد بین‌المللی ایران بود که قصد داشت به جهان این موضوع را گوشزد کند که ایران به دنبال این است که در چارچوب هنجارهای بین‌المللی اهداف و منافع ملی خود را تأمین کند. به صورت طبیعی هر کشوری در عرصه بین‌المللی اهدافی را برای خود تعریف کرده است. هر کشوری برای اینکه به این اهداف دسترسی پیدا کند تلاش می‌کند یک رویکرد را در عرصه بین‌المللی دنبال کند. برخی از کشورها در مقاطعی این هنجار را برنمی‌تابند و یا در چنین شرایطی رویکرد دیگری را در پیش می‌گیرند. رویکرد بین‌المللی گرایی ایران برای اینکه بتواند به اهداف خود دست پیدا کند و منافع ملی خود را تأمین کند در نهایت به برجام منجر شد. این اتفاق همراه با اطمینانی بود که ایران به جامعه جهانی درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود بود. ایران حتی به دنبال این بود که برنامه هسته‌ای خود را با همراهی و کمک کشورهای خارجی پیش ببرد. این رویکرد مناسبی بود که ایران در پیش گرفته بود و جهان باور کرد که ایران قرار است این روش را دنبال کند. نتیجه رویکردی که ایران در پیش گرفت موفقیت بزرگی به‌نام برجام بود. جامعه بین‌المللی این اقدام ایران را ارج نهاد و وجهه ایران با این اتفاق ارتقا پیدا کرد. با این وجود با قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا وی از برجام خارج شد که این اتفاق چالش‌های جدیدی برای ایران به‌همراه آورد که مهم‌ترین آنها بازگشت تحریم‌های بین‌المللی بود. این در حالی بود که بررسی‌ها و مطالعات دقیقی از چشم‌انداز به قدرت رسیدن ترامپ در ایران وجود نداشت ومطالعات علمی و دانشگاهی دقیقی در این زمینه صورت نگرفته بود.

> **رویکردی که غربی‌ها در پیش گرفتند برجام را از جاده اصلی وارد یک جاده سنگلاخی کرده است. با این وجود هنوز طرفین علاقه به احیای برجام دارند. این در حالی است که اگر قرار است برجام به نتیجه برسد این علاقه باید همراه با اراده باشد و طرفین نسبت به احیای برجام اراده جدی‌تری از خود نشان بدهند**

> **ایران و آمریکا هیچ آلترناتیوی به جز برجام ندارند و هر دو طرف به برجام نیاز دارند. از سوی دیگر هر دوطرف نیز اهرم‌هایی برای تحت فشار قرار دادن طرف مقابل در اختیار دارند. با این وجود برجام چه به عنوان یک سند که امضا شده و چه به عنوان روندی که در عرصه بین‌المللی شکل گرفته نتیجه همه توانایی دیپلماتیک ایران و جهان است**

چرا در زمان امضای برجام به این موضوع فکر نشده بود که ممکن است برجام با چنین چالشی مواجه شود؟

واقعیت این است که ما برآورد صحیحی از این موضوع نداشتیم که آیا واقعا ترامپ اگر به قدرت برسد قصد دارد از برجام خارج شود یا خیر. این در حالی بود که وی در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری این وعده را داده بود. در چنین شرایطی ما این موضوع را مورد بررسی قرار ندادیم که اگر ترامپ از برجام خارج شود ما چه آلترناتیوی در اختیار داریم و چه رویکردی را دنبال خواهیم کرد. ایران پس از امضای برجام دو استراتژی در پیش گرفته بود. نخست همکاری با آژانس و دوم همکاری با کشورهای اروپایی. ایران در این مقطع زمانی نزدیک به ۱۵ گزارش مناسب از آژانس دریافت کرد که این موضوع برای سیاست خارجی ما مفید بود. از سوی دیگر همکاری ایران و کشورهای اروپایی باعث شد که اروپا به سمت ترامپ حرکت نکند و به همین دلیل ترامپ در انزوای پس از خروج از برجام باقی ماند. ترامپ تلاش زیادی کرد که علیه ایران اجماع جهانی به وجود بیاورد. این در حالی بود که در عمل موفق به این کار نشد و راه به جایی نبرد. این در حالی است که ائتلاف عبری- عربی و به خصوص عربستان و اسرائیل نیز رویکرد تخریبی نسبت به برجام در پیش گرفته بودند. در نهایت شرایط به شکلی پیش رفت که حلاوت برجام از نظر اقتصادی برای مردم ایران از بین رفت. در شرایط کنونی نیز ما راهی به جز برجام نداریم و باید تلاش کنیم برجام به نتیجه برسد. اینکه آقای امیر عبداللهیان نسبت به احیای برجام ابراز امیدواری کرده به این دلیل این است که خواست و اراده ایران به دو دلیل احیای برجام است. نخست اینکه ایران نمی‌خواهد مسئول شکست برجام معرفی شود. این آمریکا بوده که از برجام خارج شده و نه ایران. به همین دلیل آمریکا باید برای خروج خود از برجام مابه‌ازا پرداخت کند. از سوی دیگر آمریکا نیز نمی‌خواهد مسئول شکست برجام باشد. اینکه بایدن در ویدئوی منتشر شده عنوان می‌کند ما مرگ برجام را اعلام نمی‌کنیم به این معناست که در جامعه بین‌المللی آمریکا به عنوان مسئول برجام شناخته نشود. این نوع جملات نیز مبتنی بر سیاست‌های آمریکا نیست و بلکه به این دلیل است که ایران را مسئول مرگ برجام اعلام کنند. دوم اینکه ایران به دلیل اینکه اقتصاد سیاسی ضعیفی برای خود طراحی کرده و سفره زندگی مردم به فروش نفت ارتباط مستقیم پیدا کرده نیاز دارد که شرایط بین‌المللی خود را به شکلی طراحی و اجرا کند که بتواند از عواید حاصل فروش نفت بهره برداری کند و زندگی اقتصادی مردم را سامان بدهد. متأسفانه دولت سیزدهم در موضوع برجام تعلل کرد و به همین دلیل نتوانست برجام را زودتر به نتیجه برساند.

اگر به هر دلیلی برجام به نتیجه نرسد چه آلترناتیوی برای برجام قائل هستید؟

اگرچه برخی نگاه بدبینانه‌ای نسبت به چشم‌انداز موجود دارند و آلترناتیو برجام را جنگ قلمداد می‌کنند اما ظرفیت موجود منطقه و جهان به شکلی نیست که ایران و آمریکا به سمت یک جنگ نظامی حرکت کنند. من فکر می‌کنم اگر برجام به هر دلیل به نتیجه نرسد اتفاقی که رخ می‌دهد این است که چالش‌های اقتصادی در کشور تشدید می‌شود. این موضوع به معنای این نیست که ما برای این وضعیت دست‌های خود را بالا ببریم. ما باید واقع‌بین باشیم. ما هم می‌توانیم با همین وضعیتی که در شرایط کنونی وجود دارد حرکت کنیم و شاهد پیشرفت رقبای منطقه‌ای خود باشیم یا از ظرفیت‌های سیاست خارجی و توانمندی‌های داخلی استفاده کنیم و شرایطی را به وجود بیاوریم مردم در وضعیت اقتصادی بهتری زندگی کنند. وضعیت گرانی‌های موجود در کشور به صورتی است که مردم نمی‌توانند برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند. به همین دلیل مردم با نوعی فشار و استرس مواجه هستند. ملت ایران یک ملت جوان و علاقه کند به پیشرفت است.

> **واقعیت این است که ما برآورد صحیحی از این موضوع نداشتیم که آیا واقعا ترامپ اگر به قدرت برسد قصد دارد از برجام خارج شود یا خیر. در حالی بود که وی در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری این وعده را داده بود. در چنین شرایطی ما این موضوع را مورد بررسی قرار ندادیم که اگر ترامپ از برجام خارج شود ما چه آلترناتیوی در اختیار داریم و چه رویکردی را دنبال خواهیم کرد**

التهابات اجتماعی اخیر در ایران چه تأثیری بر روند برجام و سیاست خارجی ایران در آینده خواهد داشت؟

انسجام ملی در سیاست خارجی نقش تعیین کننده‌ای دارد. یک کشور با انسجام حداکثری مسیر بهتری برای تحقق منافع ملی در عرصه بین‌المللی خواهد داشت. به همین میزان هرچه التهابات داخلی بیشتر و انسجام کمتر باشد به همان اندازه تحقق منافع ملی در عرصه بین‌المللی با چالش‌های بیشتری همراه خواهد بود. طبیعی است که در شرایط کنونی که کشور با التهاباتی مواجه بود و با واکنش‌های بین‌المللی نیز مواجه شده ایران در موضوع برجام در موضع ضعیف‌تری نسبت به گذشته قرار گرفته است. این وضعیت مذاکره را برای مذاکره‌کنندگان ایران سخت خواهد کرد. چه بسا در مذاکرات احتمالی آینده همین موضوع نیز مورد بحث قرار بگیرد. دولت‌های طرف مذاکره با ایران نیز به دلیل فشار افکار عمومی داخلی سیاست‌های جدیدی را در مقابل ایران اتخاذ کرده‌اند. البته این اتفاق به معنای این نیست که در مسیر تحقق برجام مانع ایجاد شده است. در شرایط کنونی هیچ کدام از طرفین تلاشی برای فروپاشی سازه برجام ندارند. اگر مسائلی نیز در این زمینه مطرح می‌شود برای امتیاز گیری بیشتر است. رویکردی که غربی در پیش گرفتند برجام را از جاده اصلی وارد یک جاده سنگلاخی کرده است. با این وجود هنوز طرفین علاقه به احیای برجام دارند. این در حالی است که اگر قرار است برجام به نتیجه برسد این علاقه باید همراه با اراده باشد و طرفین نسبت به احیای برجام اراده جدی‌تری از خود نشان بدهند.

یادداشت

شوک‌های روابط بین‌الملل

سیدمحمد کاظم سجادپور
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

همان‌گونه که از واژگان شوک بین‌المللی مستفاد می‌شود، شوک‌های بین‌المللی، تأثیری فراگیر داشته و به‌خاطر بهم پیوستگی جهانی، همه از آنها متأثر می‌شوند. پیوستگی جهانی، پدیده جدیدی نیست و به درجات مختلف در گذشته وجود داشته است. جنگ جهانی اول و دوم، به هم پیوستگی سرشت و سرنوشت جهانی را به نمایش گذاشت. اما هیچگاه جهان، امروز بهم پیوسته نبوده است. بهم پیوستگی با خود، همبستگی، وابستگی متقابل و آسیب‌پذیری همگانی را به‌همراه می‌آورد. لذاست که شوک‌های روابط بین‌المللی، بر همه کنشگران اثر می‌گذارند؛ هرچند که درجه تأثیر بسته به شرایط بومی و محلی و منطقه‌ای متفاوت است. تأثیرات شوک‌های بین‌المللی عمدتا منفی بوده و به ساختارها آسیب می‌رسانند. فراتر و شاید فوری‌تر، اثرات عصبی عمیقی بر مردم عادی دارند. اخبار ناگوار توأم با اثرات منفی واقعی، مردم جهان را عصبی کرده است. شوک‌ها، مردم عادی را سرخورده و سرگشته و افسرده می‌کند. اغراق نخواهد بود اگر گفته شود که ما با پدیده جهانی شدن عصبانیت و خشم روبه‌رو هستیم. احساسات بخش مهمی از زندگی در تمامی سطوح آن است. بی‌جهت نیست که مؤسسه صاحبه‌نام نظرسنجی گالوپ، شاخص‌هایی برای سنجش احساسات مردم در سرتاسر جهان تدوین می‌کند و مرتبا به پایش احساسات می‌پردازد و به اصطلاح، میزان ابراز احساسات جهانی را در اختیار دارد. از نظرسنجی‌های آن مؤسسه می‌توان روابط بین احساسات و شوک‌های روابط بین‌المللی را استنتاج کرد. واقعیت شوک‌های روابط بین‌المللی و اثرات مخرب آنها، کنشگران را با چالش روبه‌رو کرده؛ اما همین پدیده باعث شده است تا در این مقطع تاریخی، بشر بیش از هر زمان دیگر در اندیشه مدیریت شوک‌های روابط بین‌المللی رفته و با این فرض که نمی‌توان انتظار شوک را نداشت ولی هر شوکی را باید مدیریت کرد، به بحث در مورد چارچوب‌های مدیریت شوک‌های بین‌المللی بپردازد. آنچه در مدیریت شوک‌های روابط بین‌المللی حائز اهمیت است اولا دوری از انکار کردن اثرات شوک‌های بین‌المللی است. همان‌گونه که در سطح فردی، واکنش اولیه برخی از افراد در مقابل شوک‌های سهمگین زندگی انکار آنهاست، در سطح بین‌المللی، کنشگران بعضا به چارچوب‌های انکارگرایانه روی می‌آورند. مدیریت واقعی در پرتو پذیرش آنهاست. پذیرش به معنای تسلیم نیست، بلکه به معنای پذیرفتن واقعیت اثرگذارانه شوک‌های بین‌المللی است. ثانیا، آمادگی و آگاهی فکری است. گفتمان‌ها و مباحث مربوط به آینده‌شناسی، به نوعی آمادگی آگاهانه در مقابل شوک‌های احتمالی آینده است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه موسوم به (OECD) از ابتدای دهه ۱۹۹۰ طرحی را با عنوان «برنامه آینده بین‌المللی» راه‌اندازی کرد که براساس آن شوک‌های احتمالی شناسایی شوند و در گزارشی که این برنامه در ۲۰۱۹ با عنوان شوک‌های بین‌المللی منتشر ساخت پنج حوزه شوک‌پذیر جهانی یعنی «شوک‌های مالی»، «شوک‌های سایبری»، «شوک‌های بیماری‌های همه‌گیر»، «شوک‌های ناشی از طوفان‌های سهمگین» و «شوک‌های ناشی از آشوب‌های اجتماعی و سیاسی» را شناسایی کرد. آنچه در این ادبیات تولید شده جلب توجه می‌کند، «حکمرانی ریسک» است بدین معنی که باید خطرات و ریسک‌ها را شناسایی و آنها اداره کرد. در مدیریت شوک‌های بین‌المللی، سومین موضوع در کنار پذیرش، آگاهی، ظرفیت‌سازی است. ظرفیت‌سازی‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح و قابل بحث هستند. وضع ظرفیت‌سازی کشورها، با یکدیگر متفاوت است آنچه در این میان جلب توجه می‌کند، ظرفیت‌های منطقه‌ای است که خود تابعی از ظرفیت‌های ملی ولی فراتر ساختن نهادهای منطقه‌ای است. بسیاری از مناطق دنیا از جمله شرق آسیا در قالب آسه‌آن در این مسیر حرکت کرده‌اند؛ اما فراتر ظرفیت‌سازی از طریق نهادهای بین‌المللی است. کرونا اهمیت و نقش و ظرفیت سازمان بهداشت جهانی را برجسته کرد. جهان، نیازمند ظرفیت‌های همه‌جانبه برای مقابله با شوک‌های روابط بین‌المللی است.

دریچه

حسن بهشتی‌پور:

برجام مورد نیاز همه طرف‌هاست

یک کارشناس مسائل بین‌الملل در تحلیل وضعیت کنونی اظهار داشت: طرف آمریکایی و اروپایی مشخصا به دنبال برجامی بودند که ایران تعهداتش را انجام دهد، اما خودشان تعهداتشان را به صورت مرحله‌ای انجام دهند و تحریم‌ها را هم به صورت محدود و مرحله‌ای لغو کنند. در آخرین پیشنهادی که آقای بورل به ایران داد، این موضوع کاملا مشهود بود که چنین خواسته‌ای دارند. حسن بهشتی‌پور گفت: ایران بر اساس محاسباتی که کرده بود و فکر می‌کرد به دلیل جنگ روسیه و اوکراین، یک بحران انرژی و زمستان سخت در اروپا پیش می‌آید و به این خاطر اروپا نسبت به ایران انعطاف بیشتری نشان می‌دهد. ایران انتظار داشت موضوع مربوط به پادمان هسته‌ای که با آژانس مورد اختلاف بود، از طریق اقدام سیاسی کشورهای ۵+۱ قابل حل است اما خب آنها این کار را نکردند و بحران انرژی را هم مدیریت کردند. وی افزود: اعتراضات و ناآرامی‌های سه ماه گذشته در ایران باعث شد اروپا و آمریکا منتظر شرایط ایران و آینده این اتفاقات باشند. آنها منتظر بودند ببینند نتیجه اعتراضات به کدام سمت می‌رود یا رویکرد ایران یا رژیم تغییر کند. البته ارزیابی آنها این بود که رفتار ایران تغییر می‌کند و امتیاز بیشتری می‌دهد، اما حالا به هر حال دیگر طرف آمریکایی و اروپایی فعلا از ادامه مذاکرات استقبال نمی‌کند. این کارشناس بین‌الملل ادامه داد: ایران به دلیل اینکه دریافته روند مذاکرات در بازار داخلی و اقتصاد تاثیر دارد، خواهان بازگشت به میز مذاکرات است. گرچه دولت شعارش این بود که مذاکرات را به سفره مردم گره نمی‌زند، اما در حقیقت این گره به صورت طبیعی وجود دارد زیرا هر زمان اخبار مثبتی از مذاکرات شنیده شود، بازار نیز واکنش مثبت و خوبی نشان می‌دهد و بالعکس. وی عنوان کرد: اینکه بگوییم برجام مرده یا در کماست یا هر وضعیت دیگری، یک معنا دارد؛ واقعیت این است که برجام مورد نیاز همه طرف‌هاست و علاقه‌ای ندارند که حتی اگر مرده باشد هم خبر مرگ عزیزشان را اعلام کنند.

فرارو

تبعات طرح جدید نمایندگان

انتشار اخبار جرم می‌شود؟!

این روزها نمایندگان مجلس بیش از هر زمان دیگری برای مدیریت اوضاع، فعال شده و طرح‌هایی را برای تبدیل شدن به قانون ارائه می‌کنند. در جدیدترین نمونه، روز سه‌شنبه، اخباری پیرامون طرح نمایندگان مجلس برای نظارت هرچه بیشتر بر نشر اخبار منتشر شده است. ظاهرا طبق طرح جدید مجلس، افرادی که اخبار کذب را نشر بدهند، باید پاسخگوی تبعات سوء آن باشند. گفته شده که این طرح در مورد هر خبری که آثار سوءاجتماعی داشته باشد و موجب ضربه به جامعه شود، صدق می‌کند. منتشرکنندگان این اخبار اگر نتوانند جبران خسارت بکنند، باید مجازات شوند. محمدتقی نقدعلی، عضو کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس در تشریح این طرح گفته است: «چارچوب‌هایی درباره بزرگ‌نمایی اخبار در این طرح در نظر می‌گیریم... بزرگ جلوه دادن اخبار ممکن است ثمرات سوء برای جامعه یا افرادی داشته باشد، در این صورت اشخاص سازنده آن باید پاسخگوی آن باشند.» بیشتر از هر موضوع دیگری، ابعاد، اهداف و تبعات احتمالی این طرح مورد پرسش است.

نیاز به قانون جدید نداریم

یک تحلیلگر مسائل سیاسی در تحلیل طرح جدید مجلسی‌ها برای نظارت بر نشر اخبار گفت: مجلس و دولت به روشنی می‌دانند که یکی از مشکلات اساسی، همین اطلاع‌رسانی نیم‌بندی است که در سطح جامعه و شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. به همین دلیل الان در تلاش هستند که به روش‌های مختلف مانع از ادامه این روند اطلاع‌رسانی شوند. عباس عبدی اظهار کرد: اما به دو دلیل به هدف خود نمی‌رسند. یکی اینکه در جهان امروز امکان مهار جریان خبررسانی وجود ندارد. شاید در نهایت بتوانند آن‌را محدود یا کُند کنند، اما قطع آن بعید است. به علاوه این اتفاق نتیجه عکس داده و منجر به این می‌شود که دروغ گسترش پیدا کند. دلیل دوم این است که مسدود کردن جریان خبر نمی‌تواند مشکلی را حل کند. زیرا در شرایطی که مردم فقر و تبعیض را با چشم خود ببینند، نیازی به اطلاع‌رسانی دیگران ندارند. وی افزود: به نظر من این طرح اصلا به نقطه اجرا نخواهد رسید، چون تبدیل به ماده قانونی واقعی نمی‌شود و هیچ یک از مولفه‌های یک ماده قانونی را ندارد. زیرا یک قانون باید هشت مشخصه داشته باشد. از جمله عام و بدون ابهام و تعقید باشد و همه از آن فهم به نسبت مشترکی پیدا کنند که این طرح نمایندگان فاقد این موارد است. ضمن اینکه مشکل دیگر این نمایندگان این است که نمی‌داند برای رفع مشکل نیاز به قانون جدید نداریم و همین الان هم قانون وجود دارد. قانون تشویش اذهان عمومی و اقدام علیه امنیت ملی هم از همین دست قوانین هستند. این تحلیل‌گر مسائل سیاسی بیان کرد: علاوه بر اینها باید در نظر داشته باشند که حتی اگر اینترنت داخلی را جایگزین اینترنت جهانی کنند، باز هم نمی‌توانند جریان خبر را کند کنند. مردم باز هم در اینترنت داخلی همین روند را ادامه خواهند داد. زیرا جریان اطلاع‌رسانی مساله‌ای نیست که بتوانند به همین راحتی آن را مسدود کرد.

این طرح با هیچ کدام از اصول حقوق جزا همخوانی ندارد

یک حقوقدان نیز در ارزیابی خود از طرح مجلسی‌ها عنوان کرد: «مساله این است که برخی هنوز به ماهیت فضای مجازی و رسانه‌های پی نبرده‌اند یا نمی‌خواهند خصوصیات اینها را به درستی باور کنند. همین امر باعث می‌شود که در مسائل مربوط به فضای مجازی و انواع پلتفرم‌ها، دستوراتی صادر کنند یا قوانینی بگذارند که نه تنها تاثیری ندارد بلکه عمدتا تبعات منفی هم دارند. البته جزئیات زیادی از این طرح منتشر نشده، ولی تا همین جای کار هم که اطلاع‌رسانی کردند، نه با هیچ کدام اصول حقوق جزا همخوانی دارد و نه با واقعیت‌های فضای مجازی. کامبیز نوروزی گفت: در حال حاضر سه نکته درخصوص جزئیات این طرح منتشر شده است. یکی در خصوص مجازات منتشرکنندگان اخبار کذب است. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، در ماده ۶۹۸ جرمی تعریف شده به نام «نشر اکاذیب.» یعنی هر کسی خبر دروغی را به قصد تشویش اذهان عمومی یا وارد کردن ضرر به دیگران منتشر کند، مشمول این قانون مجازات می‌شود. حالا این اقدام مجرمانه می‌تواند از روش مختلف مثل اخبار در رسانه‌ها و اظهار نظرها در شبکه‌های اجتماعی انجام شود؛ بنابراین ما نیازی به قانون جدید و افزایش «تورم قانون» نداریم. وی افزود: نکته بعدی در این طرح مساله تاثیر «سوءاجتماعی» است. یعنی می‌گویند اگر خبری منتشر شود که آثار سوءاجتماعی داشته باشد، حتی اگر کذب هم نباشد، باید مجازات شود. خب این چه معنی می‌دهد؟! اینکه اصلا ارزش و وزن حقوقی ندارد. اصلا آثار سوءاجتماعی به چه معناست؟ زیرا مشخصا این اصطلاح یک مفهوم کلی و بسیار کش‌دار است.» این حقوقدان ادامه داد: یکی دیگر از مواردی که در این طرح آمده، این است که گفته‌اند بزرگنمایی اخبار هم جرم محسوب می‌شود. یعنی از آن به عنوان یک فعل مجرمانه یاد شده است.